



پژوهشگر
حبیب زلمي عضو انجمن
حقوقدانان افغان مقیم اروپا

فلسفه حقوق

مقاومت در برابر قوانین نادرست

اهداء به دوستداران مکتب حقوق و علوم سیاسی

قانون طبق تعریفی که دارد، دو وظیفه کلی برعهده دارد، اول حفظ نظم در اجتماع و دوم بالا بردن فرهنگ اجتماعی.

اگر مبنای حقوق را عدالت یا قواعد طبیعی و فطری بدانید، نتیجه ضروری آن مشروع بودن مقاومت در برابر قوانینی است که از مبانی اصلی خود پیروی نکرده است. زیرا این گونه قوانین، هرچند که به ظاهر بر مردم تحمیل شود، وجدان ایشان را پای بند نمی سازد.

این داوری چندان هم ساده نیست، زیرا تکلیف اطاعت از قانون نیز یکی از قواعد شناخته شده اخلاقی است که از دیر باز حکیمان به آن پرداخته اند. پس، در واقع باید در باره ارزش دو تکلیف "اطاعت" و "مقاومت" بر مبنای اوضاع و احوال به داوری نشست و معیاری شایسته و معقول برای این اقدام برگزید.

مقاومت منفي:

پيروان مشروع بودن اين مقاومت مي گویند: «هرکس حق دارد در وجدان خود قوانين را ارزيابي کند و تشخيص دهد، به کدام قاعده بايد باميل و رضا کردن نهد و کدام يك را فقط در صورت اجبار رعایت کند. راست است که اطاعت از قانون يك وظیفه اجتماعي است، ولي همه حق دارند در باره ارزش واقعي آن فکر کنند و بدون اين که در عمل به دفاع پردازند يا به تعرضي دست زنند، تا حد امکان از اجرائي قوانين خلاف حقوق بشر خوداري کنند»..

مقاومت منفي يا تجاوز به قانون گاه نیز عمدي نیست. ولي بايد دانست که تجاوز ناخود آگاه به قانون به بحث ویژه ما، که مقاومت آگاهانه و به انگیزه رسیدن به عدالت است، ارتباط ندارد. ما به گامهای استوار مبارزان نظر داریم نه به دستهای لرزان گمراهان.

مقاومت دفاعي:

مردم حق دارند از اجرای قاعده ای که با قانون عالی تر از خود مخالف است ، خودداري کنند. براي مثال: از اجرائي آئين نامه ها و تصویبنامه هاي مخالف قانون امتناع ورزند و يا حتي قانوني را که معارض با قانون اساسي مي بينند رعایت نکنند.

...ولي در دید کسانی که اين طرز مقاومت مجاز دانسته اند، هرکس حق دارد از اجرائي قوانيني که خلاف حقوق بشر است خوداري و در برابر ماموران دولت هم ایستادگی کند و محاکم نیز به نوبه خود نباید اين مقاومت را جرم شناسند.

زیرا کسی که از حق خود دفاع مي کند، در برابر تجاوز و ظلم ایستادگی کرده است... آنچه را که مردم در وجدان خود عادلانه مي بینند به رغبت اجرا مي کنند و از آنچه حکم زور مي پندارند مي گریزند. اين سرشت انسان است که جز به زور ناملايم را نپذیرد و از هر فرصتي براي گریز از ستم استفاده کند.

به گفته گاندي: "زمانی فرا مي رسد که عدم همکاری به اندازه همکاری وظیفه هرکس مي شود و کسی که از اين حق خود صرف نظر کند انسان شمرده نمی شود" بنابر اين مقاومت منفي در برابر قوانين نادرست يك واقعیت رواني و اجتماعي است که اخلاق نیز ان را تایید مي کند.

تنها راهي که در حقوق کنوني، براي جلوگیری از اجرائي قوانين مخالف عدالت وجود دارد اين است که، دادرسان اين گونه قواعد را تفسیر محدود کنند، و نویسندگان حقوقي نیز در انتقاد از انها کوتاهی نورزند و راه را براي نسخ قواعد مزبوط هموار سازند .

ماخذ:

- فلسفه حقوق.
- دابن-کتاب فلسفه نظم حقوق.
- لوي برول: جامعه شناسي حقوقي.
- گرينه والت: حقوق و اخلاق.
- گاندي...